

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال هشتم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۰

اهداف و پیامدهای تاریخی، اجتماعی مناظرات علمای شیعه و سنی از قرن هفتم تا قرن یازدهم هجری

سید احسان یگانه

چکیده

یکی از شیوه‌های تبیین معارف دینی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، در مواجهه با اندیشه‌های مخالفان اسلام، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده است که ائمه معصومین علیهم‌السلام یا تربیت یافتگان آنها در طول تاریخ انجام دادند. در طول تاریخ، بحث و مناظره با مخالفان اغلب پیرامون مسائل اعتقادی و کلامی بوده است. مهمترین شهرهای جهان اسلام و مراکز فرهنگ تمدن اسلامی، به علت حضور گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی شاهد مناظرات بسیاری بین گروه‌ها، خصوصاً میان شیعه و اهل سنت در طی قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری بوده است. ما در این پژوهش بر اساس روش توصیفی، تحلیلی و تاریخی با رجوع به منابع کتابخانه‌ای در صدد بررسی اهداف و پیامدهای شکل‌گیری این مناظرات هستیم. بر اساس مستندات تاریخی اهداف اساسی شیعیان در مناظرات خود با اهل سنت بر مبنای واضح کردن اندیشه‌ها و باورهای شیعه، کشف حقیقت، اتمام حجت با طرف مقابل، دفاع از اعتقادات مذهبی، ترویج عقل‌گرایی در تحلیل آموزه‌های دینی و ابطال افکار و عقاید انحرافی استوار بوده و پیامدهای مناظرات علمای شیعه و سنی را بر اساس پیامدهای علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گونه‌شناسی کرد.

واژه‌های کلیدی: پیامدهای تاریخی اجتماعی، سنی، شیعه، علماء، مناظره.

مقدمه

«یکی از امتیازهای انسان بر حیوان، قوه ناطقه و تکلم است؛ تنها انسان است که از طریق گفت‌وگو روابط خود را با هم‌نوعان خویش برقرار کرده و از اندیشه و مقاصد یکدیگر اطلاع پیدا می‌کند. این حقیقت ذاتی و فطری یکی از تکیه‌گاه‌های تبلیغ پیامبران در تبلیغ رسالت‌ها و پیام‌های آسمانی بوده است و همین غریزه فطری باعث مجادله‌های گوناگون اقوام مختلف با پیامبران شده است. مجادله نوح با قوم کافر خویش و هم‌چنین گفت‌وگوی هود و صالح و سایر پیامبران با امت‌های ملحد خود به ویژه ابراهیم خلیل با خویشاوندان گمراه و حتی با طبیعت پرستان و سرکرده نمرودیان که به بحث می‌نشیند، از مقوله جدال نیکو بوده است و آنان را مبهوت می‌سازد. لوط و شعیب با اقوام خود و موسی با فرعون و حضرت عیسی با متعصبان یهودی، همه اینها از وجود نمونه‌های بارز گفت‌وگوهای دینی در آن زمان به حساب می‌آیند. از همه مهم‌تر و روشن‌تر احتجاج‌های پیامبر اسلام با مشرکان عرب و مسیحیان نجران و ماده پرستان و منکران خدا و معاندان زمان است که صورت مناظرات و به شکل نیکوترین مجادله‌های پیامبر و مسلمان‌ها در کتاب‌ها انعکاس قابل توجهی دارد. پس از پیامبر، اهل بیت عصمت و طهارت این شیوه را ادامه دادند و با اقدام به سنت نیکوی پیامبران، گام‌های برجسته‌ای در این راه برداشتند: مناظره امام علی با دانشمندان یهود درباره خداد و صفات او، در منابع دینی و تاریخ اسلام ثبت شده است، امام حسن و امام حسین علیه‌السلام نیز بارها با معاویه و هوادارانش به گفت‌وگو پرداخته و آنان را محکوم نموده‌اند، مناظره امام باقر و امام صادق علیه‌السلام با بقایای خوارج و ملحدان زمان و منکران خدا در نیمه اول قرن دوم هجری از نمونه‌های برجسته جدال نیکو، بلکه نیکوترین جدال است»^۱.

۱. محمد باقر شریعتی سبزواری، مناظره و تبلیغ، ص ۲۴-۲۵.

یکی از عوامل پویندگی فکر اسلامی و از کهن ترین شیوه‌های برخورد اندیشه‌ها که به تایید اسلام رسید، دانش مناظره است.^۱ مناظره به شیوه نیکو، یکی از روش های متداول و عقلایی جهت تبیین اندیشه‌ها و باورها و دفاع از مبانی اعتقادی است. در طول تاریخ گروه های مختلفی از این شیوه استفاده می کردند و قرآن کریم و سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان شیعه نیز به این سبک توجه ویژه‌ای داشتند. با توجه به این که مناظرات علمای امامیه با علمای اهل سنت در طول قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری پیرامون مسائل اعتقادی و بعضاً مسائل فقهی بوده، زمینه‌ها و عوامل شکل گیری مناظرات علمای امامیه از جمله انحرافات سیاسی، اجتماعی، فکری، عقیدتی بوده است. بررسی پیامدهای این مناظرات از قرن هفتم هجری تا پایان قرن یازدهم هجری از مباحث مطرح شده در این تحقیق است. لذا در این مقاله درصدد بررسی این هستیم که مناظرات علمای شیعه و سنی از قرن هفتم تا پایان قرن یازدهم هجری چگونه بوده و از چه ویژگی ها، اهداف و پیامدهایی برخوردار بوده است.

اهداف مناظرات

مناظره به منزله روشی کارآمد جهت بیان اعتقادات و دیدگاه‌های انسان‌ها از روزگاران قدیم مورد توجه و مطرح بوده است. یکی از ابزارهای کارآمد مسلمانان و بویژه شیعیان در دفاع از مبانی و اصول آیین اسلام، در طول تاریخ این دین، بحث و مناظره با مخالفان، پیرامون مباحث اعتقادی و باورهای کلامی این دین بوده است.^۲ در مناظره طرف‌های مقابل با گفتگو و بحث پیرامون مسائل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به بیان اندیشه‌های خود پرداخته و در پی اهدافی همچون کشف حقایق و واقعیت‌ها برآمده، چرا که کشف حقیقت برای همه خصوصاً دو طرف مناظره به طور ذاتی امری مطلوب است. اهداف اساسی شیعیان در مناظرات خود با

۱. محمدجواد یآوری، بررسی و تحلیل مناظرات شیعیان امامیه عصر ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، ص ۱۷.

۲. محسن رنجبر، مناظرات کلامی شیعه و نقش فرهنگ ساز ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، ص ۱۸۰.

اهل سنت در شهرهای اسلامی بر پایه تبیین آموزه‌های نبوی و اهل بیت و بر مبنای واضح کردن اندیشه‌ها و باورهای شیعه، کشف حقیقت، اتمام حجت با طرف مقابل، دفاع از اعتقادات مذهبی، ترویج عقل‌گرایی در تحلیل آموزه‌های دینی و ابطال افکار و عقاید انحرافی استوار بوده است.

پیامدهای مناظرات

بحث و گفت و گو در دقایق علمی و مناظره در فروع شرعی از ابزارهایی است که باعث گسترش روحیه صحیح علمی در بین دانش‌طلبان و جویندگان حقیقت می‌شود. مناظره در صورتی که با آداب و شرایط خاص خود اجرا شود، به ارتقای سطح اندیشه‌ها و تصحیح افکار منجر می‌گردد و در بیان حقایق، تاثیری مطلوب می‌نهد؛ به گونه‌ای که هیچ روش دیگری از روش‌های تبلیغی بدین گونه نیست.^۱

به طور اساسی مناظره‌ای نیکو و پسندیده است که نتیجه‌ای مطلوب را در پی داشته باشد و بهترین نتیجه و پیامد در مناظره مطلوب انقلاب، دگرگونی و تغییر در افکار و اثر بخشی آن بر سلوک و رفتار افراد جامعه و آشکار شدن جانب حقیقت است. هرگاه شخصی در مناظره به این نتایج دست یابد و پی‌ببرد که مسیر حق کجاست، می‌تواند عقاید، باورها و رفتارهای خود را تجزیه و تحلیل کند و متوجه شود که تا چه اندازه باورهای وی صحیح و بی‌عیب و نقص بوده یا انحراف و دور شدن وی از تعالیم و آموزه‌های حقیقی ناب اسلام در چه موضوعاتی زیاده‌تر بوده است، همچنین با توجه به موقعیت فعلی باید چه اعتقادی را برگزیند و از کدام مبنای و اصول پیروی کند و در مقابل از چه مسائلی اجتناب کند. کسی که با دلیل، برهان و احتجاج عالمانه براساس مراجعه به منابع معرفتی قادر باشد اندیشه و نگرش حق را آشکار سازد زمینه‌ای مهیا کرده است تا طرف مقابل وی به تفکر واداشته شود و در

۱. ناصر باقری بیدهندی، کتاب شناسی مناظره و محاوره، ص ۲۴۶-۲۴۵.

برابر عقیده صحیح و بی عیب و نقص تسلیم شود. به طور کلی می‌توان پیامدهای مناظرات علمای شیعه و سنی را بر اساس پیامدهای علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گونه‌شناسی کرد. همانطوری که بیان شد یکی از پیامدهای مناظرات علمای شیعه و سنی پیامد علمی این مناظرات بوده است. می‌توان ادعا کرد که حداقل پیامد مناظرات علمای شیعه با علمای اهل سنت در مناطق مختلف اسلامی در قرون مورد بحث بیان و اظهار باورها و تفکرات مذهب تشیع و آگاهی اهل سنت از تفکرات و دیدگاه‌های شیعه و توجه به استناد دهی شیعیان است. اما پیامدهای دیگری همچون روشن شدن جانب حق، هدایت عده‌ای از مردم توسط علمای شیعه از جمله شیخ مفید، خواجه نصیر طوسی، عماد الدین طبری از پیامدهای مناظرات انجام شده بوده است که در این قسمت به بیان نتایج و پیامدهای مناظرات در این دوره اشاره می‌شود.

ابطال افکار و عقاید انحرافی

یکی از پیامدهای مناظرات علمای شیعه با علمای اهل سنت، علاوه بر آشکار شدن کجروی‌ها و گمراهی‌های فکری و عقیدتی اشخاص و فرقه‌ها، باطل کردن عقاید و مشی اعتقادی آنها بوده است و حاصل شدن چنین دستاوردی از ارزش والایی برخوردار است. وقتی که گمراهان و معارضان در حین مناظره بر مبنای گفتارهای ضعیف و بی اساس سخن می‌گفتند و توانایی تأیید و اثبات سخنان خود را نداشتند علمای شیعه از این فرصت بدست آمده استفاده کرده و با شتاب بیشتری باورها و اعتقادات آنها را باطل ساخته و ناحق بودن عقاید آنها را آشکار می‌کردند. گاهی اوقات نیز منحرفان و گمراهان با غافل شدن از اعتقادات دینی خویش یا دگرگون کردن آن زمینه‌ای را میسر می‌کردند تا علمای شیعه با ادله محکم، استوار، متقن و مستند به باطل کردن دیدگاه‌ها و نگرش‌های آنان پردازند. در عصر خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم، متکلم و سیاستمدار برجسته ایرانی، یکی از علمای بزرگ اهل



تسنن به نام «ملا قطب الدین شیرازی» مجلس درسی داشت. خواجه با لباس مبدل در درس وی حاضر شد و بی هیچ سخنی بعد از پایان درس بازگشت. شخصی که کنار خواجه بود و او را می‌شناخت، پس از پایان درس به استاد گفت: آنکه پهلوی من نشسته بود خواجه بود. ملاقطب گفت: او فردا نیز حتما می‌آید؛ باید از علمی گفتگو کنیم که وی از آن مطلع نباشد.

شاگردان گفتند وی در هر علمی تألیفی دارد مگر پزشکی، روز بعد ملا قطب کتاب قانون ابن سینا «بحث نبض» را تدریس کرد و اشکالات فراوانی به ابن سینا وارد نمود. آنگاه به یکی از شاگردان که کنار خواجه بود گفت درس را تقریر کن و جواب بده. موقع جواب لکنتی بر زبان شاگرد عارض شد. خواجه گفت اگر اجازه بدهی من عرض کنم.

ملا قطب گفت: شما هم فهمیدید!!!

خواجه گفت اول اشکالهای شما را بگویم، یا حق را بیان دارم؟

ملا قطب گفت: اول سخنان مرا بگوی سپس اشکالات را و بعد نظر خود را. خواجه نیز چنان کرد. ملا قطب از جای برخاست و دست خواجه را گرفت و بجای خود نشاند و احترام بسیار به وی کرد. پس از آن ماجرا روزی بحث «امامت» را به میان کشید. آن دو پیرامون این موضوع به سخن نشستند. خواجه خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام) را اثبات کرد. قطب سه بار شیعه شد و باز برگشت. دفعه چهارم گفت: من تاب مناظره با شما را ندارم، اگر یکی از شاگردان تو بتواند مرا مجاب کند. شیعه می‌شوم. خواجه به یکی از شاگردان دستور مناظره داد و قطب دلایل عقلی وی را پسندید و به سوی نور گام نهاد.^۱

همچنین در جریان مناظره عماد الدین طبری با مردم بروجرد این مسئله مشهود است. وی در بعضی از تالیفاتش اشاره به پاره‌ای از احوال خود کرده است که با

۱. عبدالوحید وفايي، خواجه نصير ياور وحى و عقل، ص ۹۵-۹۳.



مراجعه به آنها می‌توان به میزان دانش و موقعیت او و سفرهایی که به شهرهای مختلف نموده است پی برد. مانند داستان مناظره‌اش در سال ۶۷۰ق، با مردم بروجرد در تنزیه خداوند از تشبیه^۱ عمادالدین طبری در سایه احاطه علمی و تسلطی که در فن کلام داشته کتاب‌های سودمندی در علوم کلام فقه حدیث و تاریخ نوشته که بعضی از آنها از مدارک و مأخذ به شمار می‌رود. وی در این کتاب‌ها با صراحت هر چه بیشتر حق مسلم مولای متقیان را در خلافت و جانشینی پیغمبر اسلام و ائمه بعد از آن حضرت مورد بحث قرار داده و با شجاعت بی‌مانندی دشمنان اهل بیت عصمت را به باد انتقاد گرفته و با ذکر دلیل‌های روشن و شواهد محکمی به خوبی از عهده این موضوع مهم برآمده است.

مناظره روشی پذیرفته شده توسط عقلاء جهت ارائه افکار و نگرش‌ها و تبادل نظرات می‌باشد. آنچه در مناظره نیکو و پسندیده است ذکر این مطلب است که دو طرف مناظره کننده پس از ارائه نظرات باید به براهین قوی و محکم احترام گذاشته و در صورت امکان آن را پذیرفته و تأیید کنند و به آن ایمان بیاورند اما بعضی مواقع شخص مغلوب در مناظره از روی جهل و بی‌دانشی، سرسختی و عناد حاضر به پذیرش حق نبوده و در پی تمسخر طرف مقابل و دیدگاه وی بر می‌آید. اقدام مناسب در این زمان با توجه به موقعیت مجلس یا جواب‌گویی یا حرف نزدن و سکوت یا تندی و درشتی است. اما بعضی وقت‌ها باید با فرد مسخره کننده در مناظره به شیوه خودش رفتار کرد. در این مواقع باید دو نکته اصولی ملاحظه شود: نکته اول باطل کردن عقیده وی و نکته دوم گوشزد کردن به وی در جریان لجاجتی و عنادی که در عدم پذیرش او نسبت به حق وجود دارد.

۱. عماد الدین طبری، کامل بهایی، ص ۴۳-۴۲.

گرایش به تشیع

آنچه که در مناظرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است انتخاب راه حق پس از شنیدن حرف حق است. اگر کسی با دقت در سخن حق تفکر کند و بعد از شنیدن بر اساس استنباط و فهم آن سخن، راه حق را نیز انتخاب کند، کار او ارزش و اهمیت زیادی دارد. به تعبیر دیگر برای صیانت از سلامت فکری و رفتاری جامعه تنها جدایی و دوری از سخن ناحق و نادرست کافی نبود، در نتیجه هر فرد باید به جانب حق متمایل شود و با عمل کردن به آن اثبات کند که رویه پیشین او باطل بوده است. در مناظرات انجام شده در طول قرن‌های هفتم تا یازدهم قمری در شهرهای مختلف اسلامی تعدادی از منحرفان و مخالفان شیعه با تسلیم شدن در برابر حق و اقرار به آن افزون بر جدایی از مذهب و مکتب فکری سابق خود، به باورها و اندیشه‌های تشیع گرایش پیدا کردند. علمای شیعه در این قرون در شهرهای مختلف با تشکیل مجالس و محافل علمی و برگزاری مناظرات زمینه و مسیر واقعی را برای مردم تبیین کردند.

یکی از علمای برجسته شیعه در طی این قرون که عمر نورانی خود را صرف خدمت به تشیع و هدایت جامعه اسلامی کرد، سید بن طاووس بود. وی با استفاده از برنامه مرتب و منظمی که در زندگی خود تنظیم کرده بود توفیق یافت که در طول زندگانی پرحادثه خود که هر چند سالی در شهری می‌گذشت منشا آثاب بسیاری شود و بیش از سی و چند جلد کتاب بزرگ و کوچک و پر مطلب و کم نظیر تألیف و تصنیف کند که بعضی چندین جلد و جمعاً بیش از پنجاه جلد می‌شود و همه نیز در ردیف بهترین کتب علمی و دینی شیعه است. ایشان در کتاب کشف المحجبه برای فرزندش شرح می‌دهد که با چند نفر از علمای اهل تسنن و زیدی در پیرامون بحث‌های گوناگون مذهبی به مذاکره پرداخت و با مناظرات منصفانه و دلپذیر، دلیل‌های محکم و منطقی خود آنها را قانع ساخت و شیعه نمود. از جمله در پایان مناظره جالبی با یکی از فقهای اهل تسنن در حرم



کاظمین که فقیه سنی سخنان پرمغز او را تحسین کرده و می‌پذیرد ناگهان شخصی از پشت در بیرون آمده روی دست و پای او افتاده و بنای بوسیدن می‌گذارد و گریه سر می‌دهد. هرچه رضی الدین از هویت او سؤال نمود، مرد ناشناس از معرفی خود امتناع ورزید و چون از فقیه مزبور جويا شد گفت وی از فقهای مدرسه نظامیه است.^۱ همچنین در جریان مناظره خواجه نصیرالدین طوسی با ملا قطب‌الدین شیرازی، تشریف این عالم سنی به تشیع قابل بیان است.^۲

یکی از نکاتی که نشان دهنده حضور ارزشمند علمای شیعه در مناطق مختلف جامعه اسلامی بویژه در دوره ایلخانان و در ایران بوده، گرایش مردم آن مناطق به مکتب تشیع علوی بوده است. عمادالدین طبری یکی از علمای بزرگ و معروف شیعه در این باره در مقدمه کتاب ارزشمند خود کامل بهایی می‌نویسد: در ملک مازندران که مولد مصنف این کتاب است صد سال قبل از این پانصد تن شیعی نبودند و امروزه که سنه خمسين و سبعين و ستماء (۶۷۵) است در آن، پانصد تن مخالف نمی‌باشند.^۳

در طی این قرون با توجه به پیدایش فرقه‌های مختلف در جامعه اسلامی و گسترش این فرقه‌ها در اجتماع و مجامع عمومی، شیعیان به دفاع از اعتقادات و باورهای خود پرداخته و به ابطال عقاید انحرافی حاکمان و گروه‌های حاضر در جامعه همت گذاشتند. در این راستا زمینه برگزاری مناظرات کلامی و فقهی بین شیعه و سنی در اجتماع و مجامع عمومی فراهم شد. یکی از عوامل شکل گرفتن مناظرات حضور علما و اندیشمندان در مجالس شخصی، عمومی و اجتماعی شهرها بوده است. علامه حسین بن عبدالصمد عاملی پدر شیخ بهایی در سفری به حلب در سال ۹۵۱ ق به دعوت یکی از علمای حنفی مذهب این شهر وارد

۱. رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحججه لثمره المهجه، ص ۸۰-۷۵.

۲. عبدالوحید وفايي، خواجه نصیر یاور وحی و عقل، ص ۹۵-۹۳.

۳. عمادالدین طبری، کامل بهایی، ص ۶.

منزل این عالم سنی شد و مناظره‌ای با این عالم انجام داد و ایشان را به آیین اثناعشری مشرف گردانید.^۱ فرزند نامدار ایشان شیخ بهایی نیز در یکی از سفرهایش به شام با یکی از علمای اهل سنت این شهر در لباس یک عالم سنی شافعی به مناظره برخاست و با بیان نکاتی مهم اما ساده این عالم سنی را به سکوت واداشت.^۲ همچنین مناظره ابن ابی جمهور احسائی با فاضل هروی در سال ۸۷۸ق در منزل سید محسن رضوی^۳ نشان دهنده ارتباط اجتماعی علمای سنی و شیعه و برگزاری مجالس مناظره بوده است.

هویت بخشی به تفکرات شیعه

در دوران حکومت امویان و عباسیان معمولاً شیعیان با تنگناهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی روبرو بودند. از آنجا که شیعه در اقلیت بود و حاکمان اموی و عباسی از مخالفان شیعه حمایت و جانبداری می‌کردند، پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردند. خلفا از فرقه‌های کلامی و فقهی مخالف شیعه حمایت کرده و زمینه ابراز عقیده و دفاع از اعتقادات شیعیان به آنها داده نمی‌شد. با تسلط آل بویه بر حاکمیت عباسیان و ظهور اندیشمندانی همچون شیخ مفید با توان علمی زیاد و فراهم شدن فرصت‌ها برای ابراز عقاید و نشان دادن ماهیت تشیع زمینه حضور و توسعه شیعیان در اجتماع مناطق مختلف اسلامی خصوصاً محافل علمی و دینی که تا آن زمان برای شیعیان دور از دسترس بود به راحتی فراهم شد و شیعیان از این فرصت تاریخی که تا تشکیل دولت صفوی دیگر تکرار نشد به خوبی استفاده کرده و به تألیف کتاب و آثار فقهی کلامی رو آورده و در مجالس علمی و عقیدتی حضوری فعال و پویا داشته و از اعتقادات راستین شیعه دفاع و مرزبانی کردند. در این دوره بود که شیعیان در



۱. محمد محمدی اشتهاردی، یکصد و یک مناظره جالب و خواندنی، ص ۲۸۵.

۲. محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۷، ص ۷۱.

۳. یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، ج ۱، ص ۱۶۶.

جهت هویت بخشی به اعتقادات شیعه گام‌های بزرگی برداشتند و حتی با حضور فعال در مناظرات عقیدتی باعث غنای میراث مناظراتی شیعه و ارجاع به کتب کلامی در این دوره شدند. در طول این قرن‌ها علمای شیعه از جمله سید بن طاووس، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، عمادالدین طبری، ابن ابی‌جمهور احسائی، جلال‌الدین دوانی، شهید ثانی و شیخ بهایی با حضور در جوامع علمی و تألیف آثار فرهنگی تلاش زیادی جهت هویت بخشی به مبانی فکری شیعه داشته‌اند.

رشد و توسعه مکتب کلامی و فقهی شیعه

مکتب کلامی و فقهی شیعه بر اساس آموزه‌های نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت شکل گرفت. این مکتب در زمان حضور ائمه اطهار علیهم‌السلام با مدیریت و رهبری ایشان خصوصاً در دوران امامین باقرین علیهم‌السلام و تربیت شاگردان برجسته‌ای همچون هشام بن حکم، هشام بن سالم، زراره بن اعین، مومن طاق و ابوالحسن علی بن میثم به تقویت توان فکری علمی و عقیدتی خود پرداخت. در زمان غیبت صغری و پس از آن نیز علمای شیعه با دفاع از اعتقادات شیعه در صدد رشد و توسعه این مکتب برآمدند. علمای شیعه با ورود به محافل و مجالس علمی و معرفتی و برپایی مناظرات کلامی و فقهی زمینه رواج و گسترش مذهب شیعه را فراهم کردند. همچنین تبدیل شدن منازل علمای شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، علامه حلی، سید ابن طاووس، خواجه نصیر طوسی و دیگر بزرگان جهان تشیع به محافل و مجالس علمی و تأسیس کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها باعث تقویت شالوده مکتب ناب شیعه شد. عالمان شیعه علاوه بر ایجاد محافل و مجالس علمی و حضور در مجالس بزرگان در جهت رشد و توسعه مکتب شیعه به تدوین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شیعه پرداخته و آثار علمی فراوانی را به رشته تحریر در آوردند. در این دوران شخصیت‌های بارزی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی،



سالار دیلمی و ابن جنید بغدادی، سید بن طاووس، علامه حلی، خواجه نصیر طوسی، عماد الدین طبری، ابن ابی جمهور احسائی، شهید ثانی، شیخ بهایی با تدوین آثاری کلامی و فقهی در جهت پیشبرد مکتب شیعه گام‌های مهمی برداشتند. یکی از علمایی که در قرن هفتم هجری در راستای رشد و توسعه مکتب کلامی شیعه گام‌های بلندی برداشت عماد الدین طبری است. عماد الدین فاضلی عالم و متبحری جامع و متدین و از افاضل دانشوران طبرستان^۱ و از معاصران خواجه نصیر طوسی (ره) بوده^۲ و در پیشگاه دانشوران بزرگ مورد وثوق بوده است. وی که از علمای برجسته شیعه در این قرن بوده با دعوت خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان جهت بحث با اهل سنت این شهر عزیزت کرد. و در مدت حضور هفت ماهه خود در این شهر، گروه بسیاری از مردم اصفهان و شیراز و ابرقوه و یزد و شهرهای آذربایجان گرد او اجتماع کرده و از انواع معارف ربانیه او استفاده نمودند.^۳ در این مناطق عموماً اهل سنت حضور داشتند و این هجرت باعث رشد و توسعه مکتب کلامی شیعه گردید.

هم‌گرایی بین شیعه و اهل سنت

یکی از نکات مهم در پیامدهای مناظرات شیعیان با اهل سنت در شهرهای اسلامی بررسی پیامدهای اجتماعی است. از این‌رو باید بررسی شود که روابط شیعه و اهل سنت در مناطق مختلف اسلامی بیشتر به صورت هم‌گرایانه بوده یا بر اثر اختلافات اساسی که داشتند روابط آنها واگرایانه بوده است. شهرهای مختلف حکومت اسلامی به دلیل جایگاه مهم و اثر بخش و تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی در سده‌های هفتم تا یازدهم هجری تأثیر بسیاری بر

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲. محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۴۱۴، میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۳.



جهان اسلام گذاشت. شیعیان با رویکرد اعتدالی در صحنه اندیشه‌های اعتقادی و سیاسی ظاهر گردیدند و در برابر آن معتزله با رویکرد عقلانی، روشن‌گری و دوری‌گزیدن از محوریت سنت؛ حنابله با رویکرد سنتگرایی و پرهیز از عقل محوری و هر گونه اجتهاد و روشنگری در امر دین و در نهایت اشاعره به عنوان واکنشی در برابر اعتزال و برای جلوگیری از افراط و تفریط معتزله و حنابله به اندیشه‌های اعتدالی روی آورده و محور تفسیر دین را سنت دانسته و توجه به عقل را نیز ضروری پنداشتند.

با فراهم آمدن زمینه ارتباط و گفتگو میان این چهار فرقه، شکل‌گیری و ظهور تعامل و تقابل جدی این فرقه‌ها رخ داد. با توجه به اختلافات اساسی بین شیعه و اهل سنت در طول تاریخ اسلام در بعضی مواقع شاهد واگرایی میان فرقه‌های اهل سنت به ویژه حنابله با شیعیان هستیم. البته در طول این دوره بیشتر شاهد هم‌گرایی بین اهل سنت با تفکرات و دیدگاه‌های فرق اهل تسنن با شیعه هستیم. از آنجا که در مناظرات انجام شده بین شیعه و اهل سنت می‌بینیم که پیروان و علمای فرقه‌های اسلامی در مکان‌های مختلف به مناسبت‌های گوناگون بر اساس جوی آرام به بیان اعتقادات خود از طریق مناظره می‌پرداختند، نشانگر همگرایی بین علمای شیعه و سنی می‌باشد.^۱ لذا عالمان بزرگ و روشن ضمیر مسلمانان از دیرباز توجه داشته‌اند که بحث‌ها و مناظره‌های مقایسه‌ای در هر رشته از علوم اسلامی - فقهی، کلامی، اصولی، تفسیری، حدیثی و جز اینها - سهم بسزایی در تقریب مذاهب اسلامی و نیز رسیدن به هدف شریعت دارد. در این میان یکی از علمایی که در این قرون با علمای اهل سنت ارتباط علمی و اجتماعی زیادی داشته، شهید اول بوده است. وی از متاخران علمای شیعه با علمای مذاهب اسلامی مجالس بحث و مناظره در فضایی

۱. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۷۵-۲۷۶؛ رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحجبه لشمسه المهجبه، صص ۸۰-۷۵.

اهداف و پیامدهای تاریخی، اجتماعی مناظرات علمای شیعه و سنی از قرن هفتم تا قرن یازدهم هجری

سالم برگزار می‌کرده است. مکانت علمی و ژرف اندیشی شهید اول سبب می‌گردید تا علمای مذاهب گوناگون اجازه نامه اجتهادی بدو عطا کنند. شهید ثانی نیز بواسطه ارتباط با علمای اهل سنت و کسب علم از محضر آنها از ایشان تأییدیه‌هایی دریافت می‌کرد. از این روی عالمان شیعه در فضای سالم و سرشار از احترام متقابل و بسیار صمیمی و به دور از جمود و تعصب، بحث‌ها و مناظره‌هایی برپا می‌کرده‌اند، اما آنچه از پیامدهای اجتماعی مناظرات شیعه و سنی در اجتماعات شهرهای اسلامی به دست می‌آید بیشتر همگرایی بین شیعه و اهل سنت در طی این قرون را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل پویایی تفکرات اسلامی و از قدیمی‌ترین شیوه‌های برخورد اندیشه‌ها که مورد تایید اسلام نیز می‌باشد، مناظره است. مناظره به شیوه نیکو، یکی از روش‌های متداول و عقلایی جهت تبیین اندیشه‌ها و باورها و دفاع از مبانی اعتقادی است. در طول تاریخ گروه‌های مختلفی از این شیوه استفاده می‌کردند و قرآن کریم و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه نیز به این سبک توجه ویژه‌ای داشتند. اولین اختلاف سیاسی بین مسلمانان پس از وفات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، بر سر مسأله جانشینی ایشان بوجود آمد؛ برای اینکه سازمان‌دهی و برپایی حکومت و قدرت سیاسی به منزله روایندی مهم در راس امور زندگی سیاسی مسلمانان شناخته شده و مورد قبول واقع شده بود. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله گروهی منفعت طلب در سقیفه بنی ساعده در پی تشکیل قدرت سیاسی برای مدیریت و حاکمیت بر جامعه اسلامی برآمدند. آنها با نادیده گرفتن انتصاب حضرت علی علیه السلام از طرف خداوند و معرفی ایشان از طرف پیامبر در روز غدیر خم، جریان سقیفه را راه اندازی کردند. با شکل‌گیری این جریان، زمینه‌های بوجود آمدن مناظرات و گفتگوهای کلامی و اعتقادی شیعیان با مخالفانشان فراهم شد و در طول قرن‌های متمادی این موضوع باعث بروز مناظرات و احتجاج‌هایی بین مسلمانان در جامعه اسلامی گردید. از جمله دستاوردهای این پژوهش حضور پررنگ علمای شیعه در محافل و مجالس علمی در تمام مناطق اسلامی در اعصار مذکور بوده است. علمای شیعه با تاسی از امامان خود در طول تاریخ خصوصاً بین قرن‌های هفتم تا یازدهم قمری به تبیین جایگاه و منزلت امامت و نقش آن در هدایت عملی و علمی جامعه و دفاع از این جایگاه و مقام، به مبارزه با منحرفان فکری و عقیدتی از طریق مناظره می‌پرداختند. علمای شیعه با ورود به محافل و مجالس علمی و معرفتی و برپایی مناظرات کلامی و فقهی زمینه رواج و گسترش مذهب شیعه در طول قرون متمادی



را فراهم کردند. از جمله این علماء می توان به نام‌های پر آوازه‌ای همچون علامه حلی، سید بن طاووس، ابن ابی جمهور احسائی، حسین بن عبدالصمد عاملی، شیخ بهایی، قاضی نور الله شوشتری، خواجه نصیر الدین طوسی اشاره کرد. عالمانی که در راستای اثبات حقانیت شیعه گام‌های بلندی برداشته و زمینه ساز هدایت افراد زیادی به مکتب نورانی تشیع شدند. مهمترین شهرهای جهان اسلام و مراکز فرهنگ تمدن اسلامی، از جمله طوس، کاظمین، بغداد، حلب، بروجرد، غزه، سلطانیه به علت حضور گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی شاهد مناظرات بسیاری بین گروه‌ها، خصوصاً میان شیعه و اهل سنت در طی قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری بوده است. با توجه به این که مناظرات علمای امامیه با علمای اهل سنت پیرامون مسائل اعتقادی و بعضاً مسائل فقهی بوده، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری مناظرات علمای امامیه از جمله انحرافات سیاسی، اجتماعی، فکری، عقیدتی بوده است. بر اساس مستندات تاریخی می توان اذعان کرد که اهداف و پیامدهایی مناظرات علمای شیعه و سنی در طی این قرون ابطال افکار و عقاید باطل، گرایش به تشیع، رشد و توسعه مکتب کلامی شیعه، هویت بخشی به تفکرات شیعه و همگرایی بین شیعه و اهل سنت را به دنبال داشته است. آنچه به طور خلاصه در بخش جمع بندی و نتیجه گیری قابل طرح است ذکر این مطلب است که علمای نامدار شیعه همچون سید بن طاووس، شیخ بهایی، خواجه نصیر الدین طوسی، علامه حلی، قاضی نور الله شوشتری، شهید اول، عماد الدین طبری در طول قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری با فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و عقیدتی در راستای دفاع از مبانی عقیدتی شیعه در مناطق مختلف اسلامی، زمینه رشد و تکامل مکتب عقیدتی شیعه، ابطال عقاید انحرافی و هدایت برخی از منحرفین را بوجود آورده و منشا خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری در جامعه اسلامی شدند.



فهرست منابع

۲۳. ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، کشف‌المحججه لثمره المهججه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۰ ق.
۲۴. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، چاپ اول، بیروت، موسسه تاریخ‌العربی، ۱۴۳۱ ق.
۲۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار‌الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. امین، محسن، اعیان‌الشیعه، بیروت، دار‌التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. باقری بیدهندی، ناصر، کتاب‌شناسی مناظره و محاوره، مجموعه مقالات سنت گفت و گو و مناظره با ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرین، تحقیق محمدصادق بحر‌العلوم، چ دوم، قم، آل‌البيت.
۲۹. خوانساری، محمدباقر، روضات‌الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ق.
۳۰. دوانی، علی، مفاخر اسلام، چ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۳۱. رنجبر محسن، فصلنامه شیعه‌شناسی، مناظرات کلامی شیعه و نقش فرهنگ ساز ائمه علیهم‌السلام، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۳۲. شریعتی سبزواری، محمد باقر، مناظره و تبلیغ، چاپ دوم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. طبری، عماد‌الدین، کامل‌بهای، تصحیح اکبر صفدری قزوینی، چاپ اول، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. محمدی اشتیاردی، محمد، یکصد و یک مناظره جالب و خواندنی، قم، علامه، ۱۳۷۸ ش.
۳۵. وفایی، عبدالوحید، خواجه نصیر یاور وحی و عقل، چاپ چهارم، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۲ ش.
۳۶. یوری سرتختی، محمدجواد، بررسی و تحلیل مناظرات شیعیان امامیه عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰.

